



دوره هفتم تقویمه

جلسه ۱۴۷

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

سه شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۰۹ - بیست و دوم ربیع الثانی ۱۳۴۹

داخله ۱۰ تومان  
قیمت اشتراك سالانه خارجه ۱۳ تومان

تلك شماره : يكقران

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه بیست و پنجم شهریورماه ۱۳۰۹ هـ (۲۲ ربیع الثانی ۱۳۴۹)

## فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب يك نقره مرخصی

- ۳) بقیه شور لایحه استخدام افراد و ردیف افراد نظمیّه از ماده ۱۰
- ۴) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس روز یکشنبه بیست و سوم شهریور ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

رئیس - آقای فیروز آبادی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند نمیدانم چه شده است، سهو قلم شده است در صورتیکه بنده چهار بظهر مانده اینجا بودم  
 رئیس - غالباً مراقبت آقا در حضور مجلس پیش ما مشهود است. غفلت شده اصلاح میشود. آقای آقاسید به مقوب

آقاسید یعقوب - اینجا در ماده دوازده قانون تشکیل اطاق تجارت در آن ماده بنده اظهار کردم از کله مطالبی الی آخر ماده علیحده شود گمان میکنم این عبارت اقتاده و مقصود بنده از پیشنهاد این بود  
 رئیس - نظر دیگری نیست (گفتند خیر) صورت مجلس تصویب شد

این مذاکرات مشروح یکصد و چهل و هفتمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه. (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دايره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین که در ضمن صورت مجلس خوانده شده است: غائبین با اجازه - آقابان، حیدری - ملک آرائی - دکتر طاهری - اتر - چشیدی - مفتی - شهداد - عدل - اعظم زنگنه - فرشی - مصباح فاطمی - نقوسی - لرستانی - رحیمزاده صادقی - اسکندری - اورنگ - بروجردی - امیر حسینخان - حاج غلامحسین ملک - بزرگ نیا - احتشامزاده - عباس میرزا امیر عامری - فرخی - دکتر امیر اعلم - تیبور تاش

غائبین بی اجازه - آقابان، امیر ابراهیمی - میرزا حسنخان وثوق - فراگوزلو - پوشوری - مسعود - محمد ولیبرزا - بیات ماکو - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - مقدم - آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - خواجوی - کاشانی

دیر آمدگان با اجازه - آقابان: روحی - شریعتزاده - دکتر سنک - حاج میرزا حبیب الله امین - اسدی - حکمت - ذوالقدر دیر آمدگان بی اجازه - آقابان، فیروز آبادی - ناصری - قوام

## [ ۲ - تصویب یک فقره مرخصی ]

رئیس - راپرنی از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود

خبر مرخصی آقای حاج سید محمود :

نماینده محترم آقای حاج سید محمود رشتی تقاضای چهل و پنج روز مرخصی از اول مهرماه ۱۳۰۹ نموده اند کمیسیون بانقضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارم.

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده باهمان مخالفتی که همه جا داشتیم اینجا هم دارم

رئیس - موافقین بامرخصی آقا قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[ ۳ .. بقیه شورالایحه استخدام افراد نظامیه از ماده ۱۰ ]  
رئیس - قانون استخدام اعضاء نظامیه از ماده ده مطرح است

فصل دوم - ارتقاء

ماده دهم - مدت طی خدمت در هر رتبه سه سال خواهد بود و شرط ارتقاء تاین اول بوکیل سوی باضافه شرایط فوق داشتن لیاقت و معلومات اداری برطبق نظامنامه های اداری است

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا گرچه این کلمه در قوانین دیگر هم هست و با آقای مخبر هم اظهار کردم کلمه لیاقت يك کلمه ایست که در واقع نمیشود از برای اومصداتی در مقام عمل معین کرد و در نظامنامه معین کرد این باز گذاشتن دست هراداره ایست که بمیل خودش بگوید این لیاقت داشته است آن نداشته است عرض کنم که اگر بتوانیم این را بگوئیم که فلانکس لیاقت دارد و فلانکس

لیاقت ندارد بچه دلیل میگوید بدلیل اینکه من فهمیدم اگر میتوانستیم در تحت معنایی بفهمیم که مناط درلیاقت چه چیز است؟ نمیتوانیم بفهمیم مثلاً رئیس يك اداره میگوید که این عضو لیاقت دارد ولی آن یکی لیاقت ندارد بدلیل اینکه شما فهمیدید چون ما میرویم بسوی تشکیلات اداری تشکیلات اداری هم شرایطش يك شرایط موجوده ایست در خارج يك معنای حقیقی ازان در ذهن من است نه این است که من بگویم همچو فهمیدم که کی لیاقت دارد بچه دلیل بدلیل اینکه من فهمیدم باید يك معنایی برای آن در خارج معین کرد کلمه لیاقت از جمله چیزهایی است تا حالا ما ارزش سوءاستفاده کرده ایم نه حسن استفاده دیدیم در وزارتخانه ها که بعنوان اینکه مقتضی ادارست فلانکس منفضل میشود چون لیاقت ندارد فلانکس قبول میشود چون لیاقت دارد این معنای کس دارست که معنای حقیقی در خارج ندارد و سوء استفاده شده است حالا بتواند آقای مخبر در شور نانی کلمه لیاقت را تعبیر بیک عبارتی بکنند و يك معنایی بدهد که بشود در خارج از برای او يك معنای مشخص کرد نه معنای کلی که اختیار در دست رؤسای ادارات باشد

( مخبر کمیسیون داخله ) و ترقی - همانطوریکه فرمودید در قانون استخدام هم موضوع لیاقت را مطرح کرده و البته يك آدم نالایقی را نمیشود بعد از سه سال باو درجه داد و کسانی که مستحق ترفیع نیستند ترفیع بدهند و در قانون استخدام کشوری هم این ماده قید است و همین کلمه تصریح شده و متعرض شده است ولی اگر حالا بنظر حضرتعالی برسد که در آنجا يك نواقصی است نواقص آنجا را اینجا نباید عنوان کرد پیشنهادی بفرمائید در کمیسیون در شور دوم صحبت میکنیم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرضی ندارم

رئیس - آقای ملک

ملک مدنی - موافقم

رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود

ماده ۱۱ - دوره خدمت از هر يك از مراتب سه گانه وکیلی بامفتشی در صورت داشتن تصدیق سه ساله متوسطه یا دادن امتحان مواد آن دوسال و در صورت داشتن تصدیق شش ساله متوسطه یا دادن امتحان مواد آن یکسال خواهد بود.

مخبر - اجازه میفرمائید اینجا در این چیزی که طبع شده در آخر ماده بعد از امتحان مواد آن که یکسال در طبع افتاده است

مؤید احمدی - بنده خواندم یکسال

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده عرضی ندارم همین را میخواستم عرض کنم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده هم همین را میخواستم عرض کنم

رئیس - آقای ملک

ملک - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - موافقم

رئیس - ماده دوازدهم قرائت میشود.

ماده ۱۲ وکلای درجه يك در صورتی برتبه يك قانون استخدام کشوری و درجه نایب سوی نائل میشوند که سواد کافی داشته و مشمول مواد ۶۶ یا ۷۱ قانون استخدام کشوری باشند و یا تصدیق نامه سه ساله متوسطه در دست داشته یا اینکه از عهده امتحان مواد آن برآیند و بامراتب مذکوره در ماده شش را طی نموده باشند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در این ماده دوازده و سیزده در نظر وزارتخانه که لایحه را تنظیم کرده است این جور در نظر گرفته است که فرق بگذارد بین ارتقاء آنهاانی که داخل در پلیس انتظامی هستند با آنهاانیکه در تأمینات هستند آنهاانی که داخل در عنوان پلیس انتظامی هستند طریق ارتقاء شان برتبه اول قانون استخدام کشوری این است

که سه طریق برایش قائل شده اند و در ماده ۱۳ برای مامورین تأمیناتی يك طریق بیشتر ندارد و آنچه بنده فهمیدم این است که ماده دوازده و ماده ۱۳ خواسته است فرق بگذارد در ارتقاء پیدا کردن یعنی نائل شدن برتبه اول مراتب استخدام کشوری بین پلیس که مشغول انتظامات است و پلیس تأمینات پلیسی که مشغول انتظامات است طریق ارتقاء و رسیدن بمقام عالیش سه طریق است اما پلیس تأمینات يك طریق بیشتر ندارد و آن طی طریق خدمت است اصل مقصود این است این که بنده از نقطه نظر قانون گذاری که ملاحظه میکنند که اینها را قسیم هم قرار داده است خواستم يك پیشنهاد صحیحی بکنم که اگر آقایان در نظر داشته باشند و توجه داشته باشند اینها را قسیم قرار داده اند میگوید وکلای درجه يك که همین پلیس انتظامی است در صورتی برتبه اول قانون استخدام کشوری یا بعنوان قانون استخدام پلیس که درجه نایب سوی باشد نائل میشوند که داری یکی از این شرایط باشند اولاً سواد کافی مطلقاً شرط است که سواد کافی داشته است و مشمول مواد ۶۶ و ۷۱ قانون استخدام کشوری باشد این يك طریق ماده ۷۱ قانون استخدام کشوری این است اشخاصی که سابقاً مشاغل دولتی را داشته اند و در تاریخ شروع اجرای این قانون که گویا در ۳۰۲ بوده است خدمتی را که متکفل نیستند در صورتی منتظر خدمت محسوب میشوند که از تاریخ ۱۵ جمادی الاخر ۱۳۲۴ (که اول مشروطه باشد) باینطرف پنجسال متوالی یا هشت سال متناوباً و بموجب فرمان همیونی یا حکم وزارتخانه مصدر شغل رسمی بوده باشد پس معلوم شد که پلیس انتظامی در صورتی نایل میشود بمرتبه اول قانون استخدام که اولاً آن قید باشد که سواد کافی داشته باشد یا مشمول این ماده باشد که این ماده است که ایجاب میکند منتظر خدمت را فرمان بزرگ منتظرین خدمت همین است که یا با داشتن فرمان همیونی یا حکم وزارتخانه شغل داشته باشد یا اینکه داخل در ماده ۶۶ باشد ماده ۶۶ میگوید : مستخدمینی که

در تاریخ شروع اجراء این قانون مشغول خدمت هستند و با باداشتن سابقه خدمت شاغل یکی از مقامات مندرجه در ماده ۶۳ میباشد مستخدم رسمی محسوب میشوند حالا میخواهم آن را توضیح بدهم خود آقایان میدانند عرض بنده این است که در این ماده میگوید و میخواهد بیان کند که ترقی کردن برتبه اول قانون استخدام کدوری یکی از شرایطش این است که باید مشمول ماده ۶۶ یا مشمول ماده ۷۱ باشد ولی با همان سواد کافی یا اینکه اگر این نباشد یعنی سواد کافی نداشته باشد یا اگر مشمول مواد ۶۶ و هفتاد و یک قانون استخدام کشوری نباشد تصدیق سه ساله متوسطه باید داشته باشد حالا بنده خواستم باقای ونوق صحبت بکنم که در اینجا ما باصلاح طلبگی خودمان این دو را قسم هم قرار دادیم قسم او که واقع شد یعنی آن نباشد این باشد نمیشود سه ساله متوسطه داشته باشد اما سواد کافی نداشته باشد غرض این است که این را قسم قرار دادن بحسب سیاق علمیش قسم واقع شدن این نیست چه هست؟ دارنده سه ساله متوسطه عالم هست ولی دارای سواد کافی نیست سابقاً میگفتند که سه ساله متوسطه را دارد اما سواد فارسی ندارد تازه از فرنگستان آمده است پس باید ما يك کاری بکنیم که اینکه با او قسم شده است آن سواد کافی داشته باشد شرط در هر سه تا است که در هر سه قسم شرط است ولی اینجا قسم از برای همان دوتای تنهاست که مشمول ماده ۶۶ یا ۷۱ است این هم دو تا یا اینکه این هم نیست تصدیق سه ساله متوسطه ندارد در خانه تحصیل کرده است معلم داشته است یا اینکه خودش زحمت کشیده است از عهده امتحان بر میاید امتحانش میکنند وقتی که از عهده امتحان بر آمد مثل دارنده تصدیق سه ساله متوسطه است یا اینکه مراتب مذکوره در ماده ۶ راطی نموده باشد غرض بنده این بود که آن عبارت یا تصدیقنامه متوسطه قسم سواد کافی قرار داده شده است و حال آنکه قسم با او نیست و بنده خودم در شور ثانی حاضر میشوم

در کمیسیون بلکه عبارت را جویری بکنیم که منقصت علمی در ماده نباشد

**مخبر -** در ماده ۱۰۰ ملاحظه فرمودید که طی خدمت رادر هر رتبه سه سال قرار دادیم بعد از سه سال وکیل درجه اول بخواید با رتبه نایل شود در حقیقت دو شرط برایش معین کرده یکی اینکه سواد کافی داشته باشد یا اگر سواد کافی نداشته باشد درجه معلوم آتش بقدری نباشد که بتواند استفاده کند از ترفیع مطابق يك نظامنامه دیگری با او رفتار باید کرد که حالا هم معمول است و مطابق این قانون معمول نمیشود و معلوم است که مطابق مواد ۶۶ و ۷۱ قانون استخدام کشوری باید ارتقاء پیدا کند اگر هیچکدام اینها نشد تصدیق متوسطه را نداشته باشد دیگر مشمول مواد این قانون نخواهد بود ممکن است از تاین درجه سه و تاین درجه دو به تاینی درجه يك رسیده است حالا میخواهد برتبه يك نایل شود همان تصدیق سه متوسطه را داشته باشد کافی است

**رئیس -** آقای کازرونی

**کازرونی -** بنده عرضی ندارم.

**رئیس -** آقای زوار موافقت

**زوار -** بلی

**رئیس -** ماده ۱۳ قرائت میشود

ماده ۱۳ - ارتقاء مأمور پلیس تأمینانی برتبه يك قانون استخدام کشوری منوط به طی دوره درجات سه کانه مذکوره در ماده ۶ خواهد بود.

**رئیس -** آقای کازرونی

**کازرونی -** موافقم

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب موافقتند؟

**آقا سید یعقوب -** نخیر بنده اینجا خواستم توضیح بدهم که الان هم عرض کردم که چه فرقی است بین پلیس انتظامی که طریق ارتقائش را سه یا چهار طریق قرار داده اند ولی پلیس تأمینانی را منحصر بيك راه کرده اند پلیس تأمینانی هم اگر از عهده امتحان برآید

پادارای معلومات سه متوسطه باشد یا سابقه خدمت داشته باشد چرا و برای چه به او ارتقاء ندهند در صورتیکه در پلیس انتظامی آمدید برای نيل بمراتب مافوق چهار راه برای او باز کردید ولی پلیس تأمینانی را منحصر کردید به يك راه خواستم ببینم علت چه بوده است اگر منطقتاً فضیلت است که تحصیلات سه متوسطه آن ارتقاء را میآورد اگر در تأمینانات هم خدمت کرده است باز باید بیآورد اگر از امتحان باشد باز باید بیاید اگر سابقه خدمت است و در سابق مستخدم بوده است اگر در اینجا منطقتاً در اینجا چرا منطقتاً نیست اینجا منحصر کرده اید ارتقاء پلیس تأمینانی را بيك راه اما پلیس انتظامی چهار راه برای باز کرده خواستم بدانم این چه فلسفه دارد اگر ندارد عقیده بنده اینست که مساوی قرار بدهیم **مخبر -** این را پیشنهاد فرمائید در کمیسیون اصلاح می شود.

**رئیس -** ماده ۱۴ قرائت میشود

فصل سوم - طبقه اعطاء پاداش

ماده ۱۴ - پاداشهای اداره نسبت با افراد و ردیف افراد

بشرح ذیل است

الف - تمجید کتبی با درج در ورقه خدمت

ب - پاداش نقدی تا يك نك حقوق ماهیانه

ج - مدال مسی

د - مدال نقره

ه - اعطاء بکدرجه بدون رعایت مقررات فصل دوم

تبصره - طبقه اعطای پاداشهای فوق بر طبق نظامنامه

جدگانه خواهد بود

**رئیس -** آقای فیروز آبادی

**فیروز آبادی -** اینجا در قسمت پنج این ماده میگوید اعطاء بکدرجه بدون رعایت مقررات فصل دوم بنده عقیده ام اینست که هر ارتقاء رتبه باید در اثر خدمت و مدت خدمت باشد اگر بنا شد در اثر يك خدمت نمایندگی هم ارتقاء رتبه بشود این غالباً تولید اشکال میکند باید در اثر يك خدمت

نمایانی يك حقوق معین و يك مبلغ معینی با او پاداش بدهند بقدر حقوق یکماه یا دو ماه بهتر این است و الا بدون طی مدت خدمت یکمرتبه از يك رتبه پائینی او را برتبه بالا بیاورند بنده در اینجا و در هیچ جای دیگر این عقیده را ندارم و ارتقاء رتبه فقط باید در نتیجه طی خدمت باشد و الا تولید اشکال میکند و اسباب زحمت خواهد بود خوب خدمت کرده است خدمت نمایندگی کرده است هر اندازه که میدانند لایق خدمت اوست یا پول بدهند انعام بدهند ارتقاء رتبه بدون مدت خدمت نباشد.

**مخبر -** بعقیده بنده این ماده برای تشویق مستخدمین نظمیته بهترین ماده است که پیشنهاد شده است (صحیح است) زیرا که ممکن است بعضی از مستخدمین نظمیته واقعاً در موقع ایفاء وظیفه خودشان را در يك مخاطراتی بیندازند که مستوجب این بشوند که از برای آنها يك رتبه ترقی معین کنند و شما میخواهید بفرمائید که این جور مستخدمین تشویق نشوند فقط يك ماه یا دو ماه حقوق اضافه برای شان معین کنند این که چیزی نیست و بهترش همان است که در ماده معین شده است و هر يك که بهتر خدمت کردند پاداش هم بهتر ببرند و باید هم همینطور باشد آقا و این تشویق باید بشود (صحیح است) عده از نمایندگان - کافی است مذاکرات.

**رئیس -** ماده پانزدهم قرائت میشود:

ماده ۱۵ - مجازاتهای اداره نظمیته نسبت باجزاء و

ردیف افراد بشرح ذیل خواهد بود

الف - اخطار کتبی بدون درج در ورقه خدمت

ب - توبیخ کتبی با درج در ورقه خدمت

ج - محرومیت از مرخصی سالیانه

د - خدمت فوق العاده تا يك ماه

ه - توقیف بکدرجه بدون کسر حقوق تا یکسال

و - توقیف بکدرجه با کسر حقوق تا یکسال

ز - تزییل بکدرجه

ح - انفصال از خدمت نظمیته

رئیس - آقای آقاسید یعقوب :

آقاسید یعقوب - بنده عقاید خودم را از روی اصولی که اتخاذ می‌کنم یعنی از مطالعه قوانین عرض میکنم حالا اگر هم بگویند مهمل می‌گوئی بگویند عقیده بنده این است که بقدر امکان قوانین ما باید يك نسق نوشته شود نه اینکه برای هر مؤسسه يك قانون خاصی بگذاریم ما قانون استخدام کشوری نوشتیم . مستخدم وقتی رسمی شد رسمی است و همان قانون استخدام باید اصولاً شامل حالش باشد و مطابق آن قانون يك مجازاتی دارد يك اعطائی هم دارد ( پاداش دارد ) بعد از آنکه ما آمدیم و اینها را داخل در مستخدمین رسمی قرار دادیم بهتر این است که همه تابع يك قانون باشند حفظ حقوق مأمورین انتظامی ما این است که همانطور که در آن جا یعنی در قانون استخدام کشوری مجازات است مجازات اینها هم همانطور قرار بدهیم پاداششان را هم همان جور قرار بدهیم ولی نه اینکه بگوئیم دو جور مستخدم هستند یا يك خورده مستخدم هستند یا بقول آقای افسر که می‌گفتند مستخدم کم‌رتبک و مستخدم پررتبک هستند بنده هیچ فرقی قائل نیستم و تئیکه قانون گذشت پلیس با اعضاء وزارتخانه هر دو در نظر من مقدس و محترمند هر چند حالا هم هستند . اما من این را در نظر دارم که قانون هر دوی شان را وقتی مستخدم رسمی دانست و وقتی که ما مستخدم رسمی دانستیم باید نسبت بهردوی شان يك ترتیب باشد از برای اجرای محاکمات از برای تعیین و کلائی که در محاکمات حاضر می‌شوند و سایر ترتیبات همه باید یکی باشند همان قانون استخدام کشوری که مادرش پاداش و مجازات برای مستخدمین معین کردیم همان پاداش و مجازات در مورد مأمورین انتظامی هم باشد این يك موضوعی است که بنده عقیده دارم و غالباً هم در کمسیون عدلیه اظهار می‌کردم ( رفقا هستند ) عرض می‌کردم که بهتر این است ما قوانین را منسخت نکنیم و کم‌کم بیاییم و این دماغ‌ها را آشنا بقانون بکنیم نه اینکه از برای هر امر جزئی بقدری قانون نوی کله

در عمل دچار اشکال بشود - چون در ماده بعدی نویسد تا قسمت دال ( الف - ب - ج - د ) اجرائیش با اختیار رئیس نظمی است و از آن بعد ( ه - و - ز - ح ) مطابق قانون استخدام کشوری بمحاکمه رجوع میشود خوب این حکم محکمه را کی امضاء می‌کنند؟ همینطور در قسمت ترفیح - بالاخره مطلب هیچ معلوم نشده که وزارت داخله این کار را خواهد کرد یا نظمی اینکار را خواهد کرد . بنده خیال می‌کنم که هرکدام از اینها که اینکار را خواهند کرد تصریح بشود که دچار اشکال نشوند و يك مرتبه که يك محکمه قرار صادر کرد یا حکم داد آن حکم را کی اجرا می‌کند وزارت داخله یا نظمی؟

### کازرونی - این تصریح شده است آقا

مخبر - عرض کنم که در این قانون تصریح شده است که مطابق مقررات ماده ۳۶ قانون استخدام کشوری عمل میشود . در قانون استخدام کشوری مندرج است که باید محکمه اداری تشکیل بدهند و وقتی که محکمه اداری را تشکیل دادند پس از عا که و محکومیت مجازاتهای معین می‌کنند و البته خود آن محکمه اعضاء آن محکمه رئیس محکمه آن را امضاء می‌کنند ( منشی اینکار را میکند ) اداره مربوطه هم اجرا می‌کند این اشکالی ندارد مع هذا اگر نظری دارید پیشنهاد بفرمائید تا در کمسیون صحبت کنیم و مراجعه کنیم .

### معاون وزارت داخله - برای استحضار خاطر آقایان

عرض میکنم که جریان عمل تا حالا اینطور بوده است که محکمه اداری ولو در نظمی تشکیل شده باشد صدور حکم محکمه و اجرائیش بامر وزیر داخله بوده است ( صحیح است )

### اعتبار - صحیح است . این را باید نوشت

رئیس - ماده شانزدهم قرائت میشود:

ماده ۱۶ - اجرائی مجازاتهای مقرر در فقرات: الف ب - ج - د ماده فوق بدون محاکمه در حدود اختیار رئیس کل نظمی است و در ولایات با رعایت درجه بندی که در نظام نامه محاکمات اداری کل نظمی قید شده است

رئیس - آقای آقاسید یعقوب .  
آقاسید یعقوب - بنده در عارضی که می‌کنم هیچوقت میل ندارم که حتماً کسی با من موافق باشد بجهت اینکه من از روی مطالعه و دقت اگر عارضی بکنم باصطلاح یکی از ادباء لائبالی الوحده اذا ساعدنا البرهان وقتی که دلیل و برهان با من مساعد شد من تنها هم باشم هیچ اهمیت ندارد . در اینجا يك جوابی آقای معاون محترم دادند که بنده حالا باید ماده ۳۶ را بخوانم تصدیق کنندگان هم ملتفت باشند بعد جواب عرض میکنم: محاکمی که در خارج از پای تخت برای رسیدگی بقصیرات اداری تشکیل میشود نمیتوانند مقصر را بمجازاتهای مذکور در فقره ۶ و ۷ ماده ۳۸ محکوم نمایند در صورتیکه تصصیر مقصر مستلزم یکی از مجازاتهای فوق باشد محاکمه او بمحکمه که در مرکز تشکیل میشود رجوع خواهد شد خوب بنده چه گفتم و این جواب بنده بود که همه نان تصدیق میکنند؟ بنده عرض کردم که انتقال از خدمت که در مرتبه هشتم واقع میشود ( اینجا نوشته است انفصال از خدمت نظمی ) اگر کسی دارای همچو عقابی شد که انفصال از خدمت نظمی باشد این انفصال از خدمت دولت باید باشد دیگر نظمی لازم ندارد وقتی که رسید باین مرتبه از عقاب و جرم او مستلزم انفصال از خدمت بود مطلقاً باید منفصل شود از خدمت دولت خوب این چه ربطی با اینجا دارد ماده ۳۶ چه ربطی با این عرض بنده دارد . قطع نظر از اینکه جواب بنده داده نشد آنچه را هم که آقای اعتبار فرمودند لازم است و این ماده هنوز درست نیست برای خاطر اینکه این جا می‌آید و محاکمه اداری پلیس ها را معین میکند و اینجا هشت مجازات از برای عقاب آنها هست از این هشت مجازات چهار تا بیش را يك جور قرار میدهد و چهار تا بیش را هم بنظر محکمه قرار میدهد که باید محکمه درست کنند و آن چهار تایی

اولی بدون محاکمه در حدود اختیارات رئیس کل است و در ولایات با رعایت درجه بندی که در نظام نامه محاکمات اداری کل نظمیته قید شده است اجرا میشود از «ه» پیاپی هم که توقیف يك درجه بدون کسر حقوق تا یکسال توقیف یکدرجه با کسر حقوق تا یکسال - تنزیل يك درجه انفصال از خدمت نظمیته باشد بر طبق ماده ۳۶ قانون استخدام آقای اعتبار این را که سؤال کردند این طریقی را بیان نکردند که آیا این امر در وزارت داخله خواهد شد یا در جای دیگر و جوابی که آقای اعتبار دادند که مطابق ماده سی و شش است. ماده سی و شش که این را بیان نمی کند ماده سی و شش یکی از مطالب کلی را بیان می کند و میگوید: محاکمی که در خارج از پای تخت برای رسیدگی بقصیرات اداری تشکیل میشود نمی تواند مقصر را بمجازاتهای مذکور در فقره الی آخر دیگر این جا معین نکرده است که چه ترتیبی است و در این چهار مجازات آخری چه ترتیبی رعایت میشود محاکمه اش کجا است، رئیس محاکمه اش کیست؛ وزارت داخله است. وزارت خار چه است وزارت عدلیه است کمیسیون مجلس است کیست؟ اینکه ربطی بآن صحبت های بنده نداشت که هی می فرمائید صحیح است. صحیح است.

**مخبر -** محاکمه اداری برای این قسمت از مستخدمین نظمیته در خود نظمیته میشود و همانطور که آقای معاون توضیح دادند بعدی فرستند بوزارت داخله که بامضای وزیر داخله برسد و بعد مجازات بشود. اما اینکه می فرمائید يك همچو مستخدمی از خدمت نظمیته تنها چرا منفصل میشود این قانون را ما از برای اداره نظمیته و مستخدم نظمیته می گذرانیم نظمیته راجع بمستخدمین خودش این قانون را میگذرانند اگر يك همچو مستخدمی پیدا شد باین ترتیب از خدمت نظمیته منفصل میشود حالا حضرتعالی نظرتان بالاتر است و میفرمائید از خدمات دولتی منفصل بشود پیشنهاد میفرمائید.

**رئیس -** پیشنهاد آقای مؤید احمدی قرائت میشود:

این بنده پیشنهاد میکنم در ماده پانزدهم فقره ذیل اضافه شود: - انفصال از کلیه خدمات دولتی **رئیس -** ماده هفدهم قرائت میشود:

ماده ۱۷ - افراد و ردیف افراد در صورتیکه در محکمه اداری یا محاکم مربوطه دیگر تبریئه حاصل نمودند باید حقوق ایام تعویق آنها که در بودجه نظمیته محفوظ می ماند بانها تأدیه شود

**رئیس -** آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی -** اینجا در ماده نوشته است باید حقوق ایام تعویق آنها (تعویق) معنی ندارد باید تعلق باشد حقوق ایام تعلق آنها.

**آقا سید یعقوب -** صحیح است تعلق باید باشد

**مخبر -** (خطاب بمنشی) اصلاح بفرمائید تعلق باید بشود

**رئیس -** آقای شریعت زاده

**شریعت زاده -** این ماده مورد يك اعتراض قابل توجهی است که حالا بعرض میرسانم در ماده مینویسد: افراد و ردیف افراد در صورتیکه در محکمه اداری یا محاکم دیگر تبریئه حاصل نمودند اینجا دو فرض میشود یا ممکن است این فرض بشود که مرتکب جنحه و جنایت شده باشند بمحکمه عمومی مراجعه شده باشد یا مرتکب تقصیرات اداری میشود که در محکمه اداری محاکمه میشود و مینویسد معلق میشوند علی ای حال در مورد تعقیب اداری يك مستخدمی تعلق او و انفصال موقت او از خدمات نه در اینجا قید شده است و نه در جای دیگری پس بنا بر این تصور اینکه کسیکه در تحت محاکمه اداری است معلق از خدمت باشد در اینجا مورد ندارد مستخدمی که در تحت محاکمه اداری است باید کار خودش را انجام بدهد تا محکمه تکلیفش را معین کند مگر اینکه منتظر خدمت باشد که آنوقت مشمول قاعده عمومی است در هر صورت اگر دولت نظرش اینست که حق انفصال موقت یعنی حق تعلق بنظمیته داده شود این باید تصریح بشود مادام که

تصریح نشود این ماده تصویب صحیح نیست زیرا که معنایش اینست که هر مستخدمی از این بعد در تحت تعقیب واقع شود میتواند او را موقه از خدمت معاف کرد در صورتیکه از این قانون همچو چیزی مستفاد نمیشود **رئیس -** آقای اعتبار

**اعتبار -** این اشکال آقای شریعت زاده وارد نیست برای اینکه الان در کلیه وزارتخانه ها و ادارات دولتی معمول است ماموری که طرف سوء ظن وزارتخانه و اداره واقع میشود و محکمه اداری برای رسیدگی تشکیل میشود ان مأمور از شغل خودش موقه منفصل است پس از تعیین تکلیف در صورتیکه تبریئه شود حقوق ایام گذشته او را معمولاً میدهند در این جا هم همین منظور را خواسته است بیرواند و بعقیده بنده اگر همینطور باشد بهتر است برای اینکه يك مستخدم در صورتیکه قابل تعقیب باشد نمیتواند سرکار باشد این مورد ندارد که شما همچو چیزی را می فرمائید.

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب.

**آقا سید یعقوب -** بنده خواستم اولاً آقای اعتبار را توجه بدهم يك موضوع و آن این است که بنده آنچه توجه کردم غرض آقای شریعت زاده را ایشان توجه نفرمودند صحبت این نیست که فرمودید صحبت این است که چرا میگویند اصلاً ما قانون را این جور مینویسیم که در موقع عمل دست محاکم باز باشد. میگوید این جا شما این حق را بدهید که او معلق است یا منتظر خدمت است محکمه نمی تواند اینکار را بکند. ایشان این را می گویند حالا اشکال خودم: در این جا میگوید: افراد و ردیف افراد در صورتیکه در محکمه اداری یا محاکم مربوطه دیگر تبریئه حاصل نمود باید حقوق ایام تعلق آنها. . .

شما از این تصدیقاتی که فرمودید معلوم شده که قانون استخدام نظمیته ربطی به آن قوانین ندارد این يك قانون استخدام دیگری است و پادشاهی دیگری مجازاتهای دیگری دارد و قتیکه بنا را بر علیحده قرار دادید پس باید معین کنید که بکجا میرود بمحکمه اداری؟ بکدام

محکمه اداری محکمه اداریش در کدام وزارتخانه است؟ تا در ماده قانون سابق یا در قانون دیگری این را بیان نکنید که نمیتوانید این را عطف کنید يك موضوعیکه خارج از موضوع خودش است. شما می نویسید که وقتی در محاکم اداری تبریئه حاصل نمودند شما که مستخدمین نظمیته را دارای يك قانون استخدام مخصوص دانستید و مجازات و پاداش مخصوص برایشان قائل شدید باید محکمه اداریش را هم معین کنید. باید پدرش را معین کنید. محکمه اداریش کجاست؟ شما که نگفته اید این جا. آن ماده ۳۶ هم که مستلزم این نبوده پس باید معین کنید که از رتبه ۴ به بعد تقصیرات آنها در محکمه اداری وزارت داخله است. و اگر جنایت باشد که مسئله حقوقی می شود و باید در محاکم عدلیه باشد تا این ماده باو مرتبط شود. این است عرض بنده. حالا پیشنهاد هم میکنم.

**مخبر -** توضیح واضح است. اینکه در قانون استخدام همین موضوعی که این جاست مصرح است که اگر مأموری تبریئه حاصل کرد باید حقوق ایام گذشته او را بدهند. شغلش را هم بهش بدهند. در سایر قوانین هم مصرح است در اینجا هم محکمه اداری معین است. هر مستخدمی که از هر وزارتخانه شد محکمه اداری او هم در همان وزارتخانه تشکیل میشود و باید در محکمه، در وزارتخانه مربوطه اش تشکیل شود این راهم آقای معاون توضیح دادند که در نظمیته تشکیل میشود و اشخاص آنجا محاکمه میشوند منتهی حکم محکمه را هم وزیر داخله باید امضاء کند و در این صورت هیچ جای نگرانی نیست.

**گازرونی -** میگوئید قانون خاصی است؟

**مخبر -** این معین است.

**گازرونی -** چه ربطی باین دارد.

**رئیس -** آقای شریعت زاده

**شریعت زاده -** بنده تصور میکردم بقدری که لازم بود بنده مطلب را بطور روشن عرض کردم. آقایان توجه بفرمائید تعلق دو قسم است. يك وقت تعلق

مستخدمی است که در نتیجه تعقیب اداری کشف یک اتفاقی جنبه و جنایتی میشود این ارجاع به محکمه عمومی میشود و در این صورت تصدیق میشود که آن مستخدم موقتاً منفصل شود تا تکلیف او معین شود. لیکن هیچ اصلی در اینجا وجود ندارد که یک مأموری که مورد تعقیب اداری واقع شد و گفته شد که این شکایت او قابل تعقیب است معلق شود! اگر نقطه نظر این است که این مأمور نظریه جهاتی نباید مشغول کار باشد که قانون برای این کار راه باز گذاشته و مقتضیات اداری اجازه میدهد که او منتظر خدمت شود. پس کلمه تعلیق مخالف یک اصل مسلمی است. تعلیق معنایش این است آن مستخدمی که می رود تحت محاکمه از خدمت معلق است. در غیر این مورد هیچ مستخدمی را بدون حکم انتظار خدمت نمی توان منتظر خدمت کرد و معلق دانست. قانون استخدام کشوری هم که چنین اجازه را نمی دهد در قوانین دیگر هم نیست. این است که بنده تقاضا میکنم آقایان در شور دوم توجهی باین موضوع نفرمایند.

رئیس - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - عرض کنم حضور مبارک در قانون استخدام کشوری طبقه محاکمه کاملاً تصریح شد. در این جا نوشته: اولاً تا درجه چهارم خود رئیس نظمییه حق دارد که آنها را مجازات کند و باقیش را موکول کرده است بقانون استخدام کشوری و قانون استخدام کشوری در ماده ۳۸ معین کرده که طریق محاکمه چیست؟ سه نفر قاضی معین میشود باینکه نفر مدعی العموم! رسیدگی می کند و در ضمن محاکمه اگر دیدند کار جنبه یا جنایت است مطابق ماده چهارم قانون استخدام باید رجوع کنند بمحاکم عمومی. وقتی که به محاکم عمومی رفت برطبق ماده ۴۱ اعم از اینکه محاکم عمومی جلب نکند یا بانجا از طرف محکمه اداری ارجاع شود، آن مستخدم منفصل موقتی است در خود قانون هم تصریح دارد که از وقتی که جلب بمحاکمه میشود یا محکمه اداری ارجاع میکند امر

را به محکمه عمومی مستخدم منفصل موقت است تا اینکه در محکمه عمومی یا تبرئه شود یا مقصر واقع شود محکمه اداری منتظر میشود تا حکم محکمه عمومی بر گردد. آنوقت او مطابق همان رأی محکمه عمومی حکم صادر می کند. مگر آنکه محکمه عمومی از جنبه جنبه مستخدم را تبرئه کرده باشد لکن یک تصدیق اداری هم داشته باشد که باز محکمه عمومی رسیدگی خواهد کرد و رأی صادر خواهد کرد. فقط بنده تقصی که در این ماده می بینم این است که یک تبصره برای این ماده باید علاوه شود که طریق محاکمه مطابق ماده سی هشت و سی و نه و چهل و چهل و یک قانون استخدام باشد در این صورت رفع همه اشکالات میشود اینرا هم پیشنهاد کرده ام

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.

**پیشنهاد آقای مؤید احمدی**

بنده تبصره ذیل را بماده هفده پیشنهاد میکنم.

طریق محاکمه برطبق ماده ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ قانون استخدام کشوری است.

**پیشنهاد دیگر آقای مؤید احمدی.**

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۷ - کلمه تعویق تبدیل به تعلیق شود.

**پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب.**

**پیشنهاد میکنم تبصره اضافه شود.**

تبصره - محکمه اداری محکمه هست که در نظمییه تشکیل و حکم ارجاع را وزیر داخله خواهد داد محاکم مربوطه محاکمی است که در قوانین کلیه برای متخلفین مجازاتی معین کرده است.

رئیس - ماده ۱۸ قرائت میشود.

فصل پنجم - در تقاعد و وظایف

ماده ۱۸ - از تاریخ تصویب اینقانون از مقرر ماهیانه تمام افراد و ردیف افراد و جوه ذیل کسر و بصندوق تقاعد کشوری تحویل میشود.

الف - از مقرر ماهیانه صدی پنج

ب - مبلغ اضافه مقرریهای که بعدها بانها داده میشود

در ماه اول اخذ آن اضافه

ج - وجوهیکه ممکن است در موقع مرخصی از مقرر آنها کسر شود.

د - وجوه حاصله از محکومیت و جرائم اداری

تبصره - وجوه مذکوره در فوق فقط از حقوق ثابت افراد و ردیف افراد کسر خواهد شد بوجه دیگر از قبیل مدد معاش انعام و غیره کسوری تعلق نخواهد گرفت

رئیس - آقای فیروز آبادی

**فیروز آبادی** - در این ماده در قسمت (ج) نوشته وجوهیکه ممکنست در موقع مرخصی از مقرر آنها کسر شود در موقع مرخصی چه وجوهی ممکنست از حقوق آنها کسر شود؟ اگر مرخصی با اجازه است که کسر نمیشود اگر هم بی اجازه است که بآن مرخصی گفته نمیشود و اگر از آن یکماه مرخصی است که قانوناً حق دارد که از آن کسر نمیشود پس غرض از این عبارت که نوشته در موقع مرخصی اداری از آنها کسر میشود چیست چون مطلب را بنده نفهمیدم توضیح خواستم

**معاون وزارت داخله** - برای استحضار خاطر آقا عرض میکنم که بسا هست مستخدمین نظمییه یا غیر نظمییه استفاده از مرخصی قانونی خودشان کرده اند ولی یک اتفاقات فوق العاده پیش آمده است که مجبور شده دوباره مرخصی خواسته است ده روز بیست روز بیشتر یا کمتر البته آن بی حقوق خواهد بود و حقوق آن ایام کسر خواهد شد یا اینکه مستخدمی بمرخصی رفته است و طول مدتش بیشتر از حق قانونیش بوده است آن اضافه را کسر میکنند

رئیس - آقای کلزرونی.

**کلزرونی** - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

**آقا سید یعقوب** - گرچه اساساً بنده با این ترتیبی که از قوانین اخذ شده است موافقم و خیلی خوب است دولت اگر بتواند مواظبت کند و جوهی پس اندازی برای

مستخدمی تهیه کند یعنی ما باید ملت را عادت بدهیم که پس انداز کند. اساساً وضع اینقوانین از آن چیز هائی است که همیشه توجه من بان بوده است که مجلس شورای ملی باید قوانین وضع کند و مردم و ملت را عادت بدهد بذخیره کردن تا اینکه برای روز مبادا یک چیزی پس انداز کند. در اینجا اساس اینست ولی بنده با این صد پنج مخالف وزیاد است بواسطه اینکه حقوق آنها کم است و شما باید میزان بگیرد مخارج شهر را یک فرد پلیس که زن دارد و بچه دارد اگر بخواید صد پنج از حقوق آنها کسر کنید اینرا بنده عقیده ندارم و مال اینهارا باید صد دو قرار دهید برای اینکه تأمین زندگانشان بشود ترتیب زندگانی یک جویری واقع شده است که معلوم است پریروز مخصوصاً بنده در راه میآمدم میدیدم که در نفر از همین آژانها صحبت میکردند مثل اینکه قانون را دیده بودند که میگفتند با این کسر ها که هست ما دیگر چطور زندگانی کنیم بنده با صدی پنج مخالف هستم زیرا حقوق کم است ۲۳ تومان است ۲۴ تومان است و بنده پیشنهاد میکنم صد دو کسر شود حالا بکمسیون میآید ملاحظه میفرمائید این مطابق تناسب قانون استخدام است بهمین مناسبت و تناسب اینجا صد پنج نوشته شده است

رئیس - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - بنده اعتراضی ندارم میخواستم عرض کنم با نظریکه آقای معاون اتخاذ کرده اند راجع بشق (ج) بهتر اینست این مطلب در شور ثانی تصریح شود که اگر زیاده از حد قانونی مرخصی گرفته اند قاعدهتاً باید از حقوقشان کسر شود و آنقسمت از وجوهیکه در مقابل این مرخصی ها کسر میشود صرفه جوئی و ضبط میشود

رئیس - آقای یاسائی

**یاسائی** - این عبارت نیکه در اینجا نوشته شده بنظر بنده مخالف قانون محاسبات عمومی است اولاً این قسمت (ج) نوشته وجوهیکه از مقرر آنها کسر شود همچو

چیزی ممکن نیست برای اینکه مجوز قانونی میخواهد اینجا هم که نوشتیم ممکنست کسر شود بنده میدانم که فرض چیست و چطور ممکنست کسیکه در مرخصی باشد حقوقش کسر شود اگر چنانچه در مرخصی هست با اجازه که حقوقش را میگیرد اداره تصویب میکند اجازه او را با قید باینکه حقوق بگیرد و بکوقت هم مرخصی میدهد بدون استفاده از حقوق این مربوط بتقاعد نیست اگر مستخدمی یکماه مرخصی گرفت با استفاده از حقوق و ناخوش شده بعد دوباره تقاضا کرد و بعد اداره تصدیق کرد دو ماه دیگر هم تو مرخصی داری ولی چون قانوناً نمیتوانی این دو ماهه بدون حقوق خواهی بود این حقوق دو ماهه اش را وزارت مالیه از بابت صرفه جوئی ضبط میکند و اصلاً نمیدهد بنظمیه تا مربوط باشد بصندوق تقاعد و اصلاً این زیادی است و باید حذف شود و این برخلاف قانون محاسبات عمومی است و صلاح نیست که ما قانون محاسبات عمومی را بتدریج در قوانین دیگر سوهان بزنیم . موضوع دیگر وجوه حاصله از محکومیت و جرائم اداری است اینهم موضوع ندارد در تمام وزارتخانهها در تمام ادارات هر چه وجوه جرائم است باید داده شود بخزانه عمومی و صرف عایدات اداری است شما بودجه را نگاه کنید يك ارقامی بابت عایدات نظمیه قید شده است در صورتیکه جزو عایدات عمومی مملکت است و دخلی بنظمیه ندارد و اینقسمت هم باید روشن شود که آیا نظمیه میخواهد صندوق تقاعد مستقی داشته باشد یا صندوق تقاعد همان است که برای تمام مستخدمین است اگر اینطور است که این قیدها را نمیکشود و باید نوشت مطابق قانون استخدام

**وزیر داخله (آقای سمعی)** - عرض کنم این البته پیشنهادی است که از طرف وزارت داخله شده است و مقصود این بوده است که اجازه از طرف مجلس شورای ملی صادر شود که صرفه بحال مستخدمین نظمیه داشته باشد اگر مجلس موافقت میکند که این وجوه جرائم بآنها داده شود که خوب يك قانونی

وضع میشود اگر هم موافقت نمیکند ما اصراری نداریم مقصود این است ما نخواستیم برخلاف محاسبات عمومی کاری کرده باشیم قانونی است که بمجلس پیشنهاد کرده ایم و مجلس هم البته آزاد و مختار است ما نخواستیم يك ارفاقی درباره اینها شده باشد (صحیح است)

**رئیس** - ماده ۱۹ قرائت میشود:

ماده ۱۹ - عموم افراد و ردیف افراد نظمیه با رعایت یکی از مقررات ذیل میتوانند تقاعد خود را از خدمت بخواهند

الف - از ۱۵ الی ۲۰ سال خدمت بشرط داشتن ۴۵ سال عمر يك نك از آخرین حقوق

ب - از ۲۰ سال خدمت بیالای نصف آخرین حقوق

**رئیس** - آقای فهیمی

**فهیمی** - بنده معنی این ماده را نفهمیدم زیرا در ابتدا معین میکند که تا بیست سال خدمت و چهل و پنج سال عمر میتواند تقاعد خودش را تقاضا کند بعد مینویسد نك آخرین حقوق یعنی چه؟ گرچه مقصود معلوم است یعنی باید مطابق يك نك آخرین حقوق حقوق تقاعد بآنها داده شود اما در ابتدای ماده هیچ اشاره باین امر نیست فقط میگوید اشخاص ذیل میتوانند تقاضای تقاعد بنمایند در صورت چهل و پنجسال عمر نك آخرین حقوق بیست سال خدمت نصف آخرین حقوق این است که باید عبارت را طوری بکنید که بتوانند با این شرایط تقاضای تقاعد بکنند و قبول بشود

**رئیس** - آقای آقاسید یعقوب

**آقاسید یعقوب** - بنده هم مقصود این بود که این ماده يك ماده غربی است و حالا اصلاحش را پیشنهاد میکنم

**رئیس** - آقای اعتبار

**اعتبار** - بعلاوه آن قسمتی که آقای فهیمی اظہار کردند اینجا قسمت ۱۵ الی ۲۰ سال را بنده نمیفهمم چیست؟ پانزده سال متوالی مقصود است؟ بیست سال

که کردیم متناوب است؟ اگر صرفاً ۱۵ سال کسی خدمت داشت میتواند متقاعد شود؟ باید گفت هر کسی ۱۵ سال خدمت دارد متقاعد میشود بعلاوه بنده بشرط سن مخالف هشتم در قانون استخدام هم این شرط بود و اگر آقایان در نظر داشته باشند باز هاتنی این شرط را برداشتیم برای اینکه ما از آنطرف در قانون قید کردیم در سن بیست سالگی میتواند مستخدم نظمیه شود وقتی که ما این را در قانون قید کردیم که اگر ۱۵ سال خدمت کرد میتواند متقاعد شود ممکن است که این چهل و چهار سال داشته باشد چهل و چهار سال و ششماه یا هفت ماه داشته باشد مثلاً از چهل و پنجسال یکماه کمتر داشته باشد آنوقت این آدم محروم است از تمام مدت این خدمت و برای یکماه نمیتواند استفاده از حقوق تقاعد بکند پس این اصلاً معنی ندارد و قتیکه ما میگوئیم از سن بیست سالگی میتواند وارد خدمت شود بعد هم بیست سال خدمت برای او قائل می شویم که میتواند متقاعد شود دیگر این شرط سن را چرا قائل می شویم مثل قانون استخدام اساساً این شرط سن را باید از این جا برداریم بعلاوه این پانزده سال و بیست سال را توضیح بدهید که مقصود چیست؟ آیا پانزده سال متوالی است که میتواند تقاضای تقاعد کند یا متناوب یا یکی از این دو یا بیست سال یا پانزده سال هر کدام را که در نظر میگیرید تصریحاً بنویسید .

**مخبر** - مقصود این جا از پانزده الی بیست اشتغال بخدمت است و مقصود متناوب و متوالی نیست و در آن جا هم توضیح داده شده است اشتغال بخدمت و این ترتیب در عمل اداره تقاعد آلا ن هم موجود است و مقصود متوالی است و اینطور این جا قید کردیم . اما چهل و پنجسال که میفرمائید این ترتیب در قانون استخدام هم هست ممکن است کسی چهارده سال و پانزده ماه و بیست روز سابقه خدمت داشته باشد و از برای ده روز کسر از این حق محروم شود (اعتبار - قانون استخدام اصلاح شد) اگر آن اصلاح شد این جا هم پیشنهاد بفرمائید .

**رئیس** - آقای فیروز آبادی .

**فیروز آبادی** - این جا هم در قسمت ( الف ) میگوید از پانزده الی بیست این توضیح داده شود که چهارده سال تمام از ابتدای پانزده سال است تا بیست سال یا خیر داخل در بیست است؟ اگر بیست سال تمام باشد در فقره دو باید بگوید از بیست و یکسال خدمت به بالا آنوقت از بیست به بالا نمیشود باید بگوید از بیست و یکسال به بالا بنده خواستم يك توضیحی این جا داده شود که در موقع اشکالی پیدا نشود .

**مخبر** - توضیح دادم از پانزده سال الی بیست سال تمام دیگر بیست و یکسال ندارد

**فیروز آبادی** - بسیار خوب .

**رئیس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - در تنظیم این ماده بنده نفهمیدم که چه فکری مدخلت داشته است و وقتی بنده حساب کردم دیدم هیچ تفاوتی بین این جا و قانون استخدام نیست غیر از اصل کلی که در قانون استخدام است مثلاً کسی که بیست سال خدمت کرده است و نود تومان حقوق دارد بنا بر این قسمت اول بایستی که يك نك از حقوقش را بگیرد و خارج شود يك نكش میشود سی تومان و بر طبق قانون استخدام اگر بنا شود که متقاعد شود يك شصتم میشود پانزده قران در بیست سال باز میشود سی تومان و هریك از این شقوقی را که بنده مذاقه کردم دیدم مساوی میشود با هم بنا بر این فلسفه ندارد که ما چیزی را تغییر بدهیم در قانون بهتر اینست که آقای وزیر داخله موافقت بفرمایند که همان اصول نایته سابقه در مملکت اجرا شود

**مخبر** - اینجا تغییری بر آن داده نشده است ولی در مدت خدمت اگر مینوشتم مطابق قانون استخدام آنجا بیست و پنج سال و سی سال مدت خدمت را تعیین کرده است اینجا مقصودتان اینست که بیست سال باشد و الا اینجا هم مثل قانون استخدام است

**شریعت زاده** - بیست سال قرار بدهید با شرایط قانون

**آقا سید یعقوب** - کافی است



رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب :  
پیشنهاد میکنم ماده ۱۹ این نوع اصلاح شود (آقا سید یعقوب - آقای وثوق گوش بده) عموم افراد و ردیف افراد نظمیہ با رعایت یکی از مقررات ذیل میتوانند تقاعد خود را بخواهند :

۱ - بازده سال متوالی یا بیست سال متناوب  
۲ - خدمت بیست و پنجسال که حتماً متقاعد خواهد بود تبصره - متقاعد اول ثلث آخر حقوق - متقاعد دوم نصف آخر حقوق

رئیس - ماده بیستم قرائت میشود  
ماده ۲۰ - نظمیہ نیز میتواند مطابق مقررات مندرجه در ماده فوق افراد و ردیف افراد را با تصویب وزارت داخله متقاعد نماید

رئیس - آقای یاسائی  
یاسائی - عرض میشود در این ماده نوشته شده است که خود نظمیہ هم میتواند افراد یا ردیف افراد را با رعایت مقررات ماده فوق متقاعد کند در صورتیکه باید رعایت ماده ۱۹ بشود این قید يك قید زائیدی است و اساس این ماده لزومی ندارد زیرا اگر همان طور که گفتیم آن شرایط وجود داشته باشد خودش تقاضا نماید وزارت داخله و نظمیہ میتواند متقاعد کند ولی بنظر بنده اینمدت خیلی زیاد است و این مبلغ هم خیلی کم است آقای شریعت زاده فوراً ذهنشان رفت به آن مستخدمی که در نظمیہ نود تومان میگردد و در ماده پیش نوشته است عموم مستخدمین نظمیہ و عموم افراد و ردیف افراد فکر آژانها را بکنید که هشت تومان نه تومان در ولایات حقوق میگیرند فرضاً بیست سال خدمت کرد بیست سال بصدقات خدمت کردن کار سهل و آسانی نیست تازه که می خواهد حقوق تقاعد بگیرد آخرین حقوقش نه تومان بوده است میشود سه تومان با سه تومان چطور با عائله اش زندگی کند بعقیده بنده ثلث که در ماده قبل نوشته است کم است و باید مطلقاً نوشته شود نصف مخصوصاً باید تمکیک بکنند آنهایی که مستخدم هستند از سی و

قانون استخدام هم اشاره شده است قانون استخدام برای هر طبقه از مستخدمین در حقیقت مثل يك کنتراتی است که مابین دولت و مستخدمین است میگوید من با این شرایط شمارا قبول میکنم و با این شرایط هم حقوق و رتبه خواهم داد بعد فلان خدمات را هم از شما تقاضا خواهم کرد از هر حیث مطابق يك کنتراتی است که طرفین باید آنرا رعایت کنند این قسمت بخصوص که در قانون استخدام در این قانون بخصوص حق مستخدم را حذف کرده موقع تقاعد يك موقعی است که اختیار با مستخدم است که تقاعد خود را تقاضا کند يك موعدی هم حق بدولت دادیم که حتماً دولت او را متقاعد کند . برای افراد نظمیہ که اینجا مطرح است ۲۵ سال یا ۲۰ سال خدمت و چهل و پنجسال هم عمر اگر داشته باشد حق دارد و میتواند که تقاعد خود را تقاضا کند این حق اوست اگر باین حد رسید حق دارد که بگوید من میخواهم متقاعد شوم و از خدمت معاف شوم يك حد بالاتری را هم باید معین کرد مثلاً پنججاه و پنج سال یا شصت سال اگر رسید دولت اصلاً حق داشته باشد که او را از خدمت نظمیہ معاف کند ولی دیگر حق اولی را که مختص بخود اوست بدولت نباید داد که دولت بدون اینکه او سنش از چهل و پنج سال متجاوز باشد یا مدت خدمتش از ۱۵ سال بیابا باشد آنرا هم حق داشته باشد متقاعد کند این حق مستخدم است مگر اینکه يك معایبی در کار باشد مثلاً يك آدم چهل و پنج ساله سنش اینقدر نیست که از عهده خدمات برآید یا يك معایب اداری مثلاً تصصیرات اداری برای او قائل شوند دیگر محتاج این نظر نیست این است که بنده می خواهم حقی که برای او معین می شود از او گرفته نشود و بدولت داده نشود در این تاریخ خود او تقاضا را بکند و در يك تاریخ بیشتری این حق را بدولت بدهند و در ضمن همان اظهاری که آقای یاسائی کردند وقتیکه بنا شد متقاعد شوند افرادی که دارای حقوق کمی هستند برای تقاعدشان باید مبلغ بیشتری

فکر کرد چنانچه در قانون استخدام هم اگر نظر آقایان باشد يك شرطی معین شده است حتی بسرای وراث که حقوقشان از فلان میزان نباید کمتر باشد برای اینکه چون افراد مدتی خدمت میکنند زحمت میکشند وقتیکه از کار افتادند یا نخواستند خدمت کنند یا دولت نخواست آنها را نگاه دارد البته دیگر عمر گذشته آنها برنمیگردد و از دست رفته است بایستی با آن پول عمری صرف بکنند یا اینکه بروند در آن مدت دچار فقر و پریشانی و گدائی بشوند لا اقل به اندازه قوت لایموت باید داشته باشد هشت تومان و ده تومان و دوازده تومان تصدیق بفرمائید این قدر نیست که کفاف زندگانی يك عائله را بکند بنا بر این اصلاً این ماده را زائد میدانم بهتر این است آقای وزیر داخله يك ماده دیگری معین کنند یا يك سن بیشتری پیشنهاد کنند که در آن سن هم دولت حق داشته باشد آن ها را متقاعد کند مثل اینکه در قانون استخدام هم همچو قیدی هست که سن مستخدم هفتادسال که شد دولت اصلاً آنها را مرخص میکند و متقاعد میکند در اینجا هم این قید را بکنند که حق طرفین محفوظ مانده باشد  
جمعی از نمایندگان - کافی است .

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی قرائت میشود :

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

بنده در ماده بیست پیشنهاد میکنم اینطور اصلاح شود نظمیہ نیز میتواند افراد و ردیف افراد را با تصویب وزارت داخله متقاعد نماید مشروط بر اینکه مدت خدمت آنها متناوباً یا متوالیاً کمتر از ده سال نباشد  
رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب :

پیشنهاد میکنم ماده بیست حذف شود

رئیس - ماده بیست و یکم قرائت میشود :

ماده ۲۱ - مستخدمینی که قبل از رسیدن بسن تقاعد فوت میشوند دو ثلث از کسوراتی که بصدوق تقاعد پرداخته اند و حقوق ایام سه ماه مرخصی قانونی که استفاده نموده اند دفعه بطور تساوی بورثه قانونی آنها پرداخته

دو تومان بیابا مثل سایر مستخدمین و آنهایی که از سی و دو تومان پائین هستند یعنی افراد و ردیف افراد آنها را يك سهم بیشتری بهش بدهند که بتواند زندگی کند دیگر اینکه وقتی وزارت داخله و خود نظمیہ خواست متقاعد کند دیگر رعایت مقررات ماده قبل لازم نیست چرا برای اینکه غالباً آقایان می بیند دولت مجبور می شود برای مثلاً يك مستخدم کمربند ده تومان شهریه می آورد بمجلس چه شده است که این لایحه را می آورد چون قانون استخدام اجازه نمیدهد که اگر فرضاً يك مستخدم یا يك آژانی سر خدمت تلف شد یا دولت خواست متقاعدش کند دید که از کار افتاده است یا پیرمرد شده است این برای اینکه چهارده سال خدمت دارد چیزی سهمش نمیشود باید این را بنظر دولت و وزارت داخله گذاشت و قید نکرد که حتماً سن مدخلیت دارد که ولو دهسال خدمت داشته باشد وقتیکه يك پیرمردی در خدمت نظمیہ بود و عمرش را هم در خدمت دولت گذرانید دیگر کاری ازش ساخته نمیشود دولت آنرا متقاعد کند و يك چیزی بهش بدهد و قید این که شرایط و مقررات فوق را داشته باشد لزوم ندارد بنظر بنده در اینماده عبارتی نوشته شده است رعایت مندرجات ماده فوق حذف شود و نوشته شود بطور مطلق نظمیہ و وزارت داخله میتواند اگر مقتضی بشود مستخدمین را متقاعد کند و چیزی هم برایشان برقرار کند منتهی اگر بخواهند لایحه هم بمجلس بیاورند .

مخبر - عقیده حضرت عالی خیلی خوب است از آقای وزیر داخله هم من پرسیدم موافقت میفرمایند پیشنهاد بفرمائید برای شور دوه اصلاح میشود . اما اینکه میفرمایند بخود نظمیہ این اختیار داده شود البته شرایطی هم میخواهد و الا اگر اختیار بدهید بنظمیہ بی شرایط هر کس را میخواهد متقاعد بکند این يك نقضی دارد و باید يك فورمولی پیشنهاد بفرمائید که این نقص هم مرتفع شود ما هم موافق هستیم .

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - در این ماده يك قید اساسی هست که در

میشود مستخدمینی که در راه انجام وظیفه تلف شده یا میشوند ورثه آنها مطابق ماده ۲۲ مستحق دو نك از آخرین حقوق تلف شده خواهند بود.

**رئیس - آقای فیروز آبادی**

**فیروز آبادی -** عرض میشود در این جا آمده است بجهت وراثت اشخاصیکه فوت شده اند تساوی قرارداد است در آن چیزی که در صندوق تقاعد است در کشور تقاعد و همچنین از حقوق سه ماهه مرخصی قانونی که استفاده نموده باین معنی که پسر و دختر و عیال بطور تساوی از این ارث در واقع میبرند یا برادر و خواهر در واقع بطور تساوی ارث میبرند بنده اینجا این عقیده را ندارم برای اینکه پسر لابد خرجش قطعاً زیاده از دختر است بجهت اینکه صاحب عیال و اینها است خرج خود را بدهد خرج آنها را بدهد چه بدهد چه بدهد اما دختر ممکن است سر یکماه برود شوهر بکنند خرجش را دیگری متحمل شود بهمین نظر است که در اسلام هم آمده است و تساوی قائل نشده است یا آمده است حبوه قرار داده است بجهت پسر بزرگ چون خرج پسر بزرگ بعد از فوت پدر زیاده از دیگران است خوب است در اینجا هم رعایت میشد بقدر سهم الارث قرارداد میشد که سهم پسر که خرجش زیاده از دختر است دو مقابل باشد این مساوی قراردادن کسیرا که خرجش غالباً زیاد تر است با کسی که خرجش غالباً کم است گمانم این است مساوی بودن خوب نباشد.

**مخبر -** این ترتیب در قانون استخدام هم بوده است و عمل هم شده است تا زکی ندارد... (فیروز آبادی - آنجا هم ظلم است)

**رئیس - آقای شریعت زاده**

**شریعت زاده -** بنده اگر چه نمایانم نسبت بمطلب این ماده در قانون استخدام کشوری چه جور پیش بینی شده اما نظر شخصی خودم را عرض میکنم و معتقدم که این ماده در يك قسمتی مخالف انصاف تنظیم شده زیرا وجوهی که بعنوان تقاعد از مستخدمین کسر میشود تشکیلی سرمایه را میدهد رای اینکه بخود آنها در يك مواقعی

داده شود حالا که فوت شده است هیچ دلیلی نیست که يك قسمتی از آن کسر شود مال خودش است و ورثه استحقاق دارند و باید بانها دفعه داده شود ولو اینکه مطلبی که بنده عرض میکنم با قانون استخدام موافق نباشد بنده با این مطلب موافقم و اورا صحیح میدانم

**رئیس - آقای اعتبار**

**اعتبار -** بنده هم نظرم موافق نظر آقای شریعت زاده است و نظرم این است البته در قانون استخدام همینجور است که در اینجا نوشته شده است حالا قانون استخدام کار خوبی نکرده باشد بهتر این است که اینجا آقای وزیر داخله و آقای مخبر اصلاح بکنند این قانون را که هر چه را او پرداخته است بهش پس بدهند دیگر چرا دو نك چهارده سال خدمت کرده است و نمیتواند استفاده از حقوق تقاعد بکند هر چه پول داده است بهش پس بدهند

**کلالی -** پیشنهاد کنید.

**رئیس -** آقای کیا فرمایشی دارید؟

**کیا لوری -** آقای مخبر توجه میفرمائید در لایحه سابق

این تذکر را بنده دادم و وعده فرمودید که اصلاح شود و تصریح بفرمائید که در موقع عمل مامورین دچار اشکال نشوند چنانچه در ماده بیست و دو دقت کردید گمان میکنم این توضیح ضرری ندارد زیرا این لفظ هم در آن لایحه و هم در این لایحه مکرر است مورد اشکال واقع شود باین جهت بنده تقاضا میکنم همانطوری که فرمودید اینجا هم تلف را تصریح بفرمائید که اعم از فوت و قتل باشد.

**مخبر -** در لایحه گذشته فرمودید نظر جنابمالي را گنجانیدم در اینجا دیگر پیشنهادی نداده بودید وعده هم نشده بود و خود تلف هم این معنی را دارد (صحیح است) و از روی ندارد که توضیح بدهیم

**رئیس -** ماده ۲۲ قرائت میشود.

ماده ۲۲ - وراثت افراد و ردیف افراد وقتی مستحق وظیفه از دولت میشوند که شرایط ذیل را دارا باشند:

الف) ورثه ذکور کمتر از ۲۱ سال داشته باشد  
ب) ورثه اناث شوهر اختیار نکرده باشد  
سهم ورثه ذکور که از ۲۰ سال تجاوز کند و سهم ورثه اناث که شوهر اختیار نماید و همچنین سهم آنهایی که فوت میشوند بسهم سایر وراثت افزوده میشود.

بصره - هرگاه اولاد ذکور با اناث علیل المزاج (مادامیکه آن وضعیت باقی است) یا ناقص الخلقه باشد و از عهده کار بر نیاید از حقوق تقاعد سهمی خود استفاده مینمایند  
**رئیس -** ماده ۲۳ خوانده میشود  
**آقاسید یعقوب -** عرض دارم  
ماده ۲۳ - افراد و ردیف افراد مشمول مواد ۴۴ - ۴۶ - ۴۷ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ قانون استخدام کشوری میباشد.

**رئیس -** ماده ۲۴ قرائت میشود

**فصل ششم مواد مخصوصه**

ماده ۲۴ - کلیه افراد و ردیف افراد نظمی که در تاریخ تصویب این قانون مستخدم نظمی هستند جزء مستخدمین دولت محسوب و تمام مواد این قانون شامل حال آنها خواهد بود

**رئیس -** ماده بیست و پنجم قرائت میشود:

ماده ۲۵ - اشخاصیکه در قشون و سایر ادارات دولتی سابقه خدمت داشته و بخدمت نظمی پذیرفته میشوند خدمت گذشته آنها جزو سابقه محسوب و در صورتیکه کشور تقاعد را بصندوق تقاعد نپرداخته باشند باید مطابق ماده ۱۸ تأدیبه نمایند

**رئیس -** ماده ۲۶ قرائت میشود

ماده ۲۶ - وزارت مالیه مکلف است تعرفه خدمت این قبیل مستخدمین نظمی را که مشمول مقررات این قانون میشوند پذیرفته و بادر نظر گرفتن سوابق خدمت گذشته آنها سند خدمت صادر نمایند

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب

**آقا سید یعقوب -** بنده نفهمیدم اینجاده را برای چه

ذکر کردید اینجاده را محتاج نیست وقتیکه اینها رامستخدم رسمی دانستید مسلم است میکنند نمیتواند نکنند در اینجاده ۲۴ و ۲۵ اینها را داخل کردیم مستخدم رسمی شدند خوب وقتیکه شدند باید ورقه شان داده شود مگر نمیتوانند ندهند مگر از جهت تاکید باشد (حالا اگر آقای دکتر حسن خان برود آنجا بنشینند و ایراد بگیرد) ایراد ندارد اینها مستخدم رسمی هستند

**وزیر داخله -** مستخدم رسمی هستند ولی سند خدمت برایشان صادر نشده و آن قانونی هم که بود برای صدور سند خدمت موعده منقضی شده و حالا اداره تقاعد قبول نمیکند این ماده میگوید که باید صادر نماید

**رئیس -** ماده ۲۷ قرائت میشود

ماده ۲۷ - عموم مستخدمین با رتبه نظمی میتوانند پس از ۲۰ سال اشتغال بخدمت بدون رعایت سن از مقررات ماده ۴۳ فصل چهار قانون استخدام کشوری استفاده نمایند نظمی نیز میتواند پس از بیست سال خدمت مقررات ماده چهل و سه قانون استخدام کشوری را در باره مستخدمین خود بموقع اجرا بگذارد

**رئیس -** آقای یاسائی

**یاسائی -** عرض میشود که بنده اینجا باملتفت نشدم بادر این قانون چیزی نیست که اشاره شده باشد بماده ۷۳ قانون استخدام راجع بحقوق انتظار خدمت مستخدمین اگر مقصود این است که مستخدمین نظمی مقید باشند بحقوق انتظار خدمت ندهند آن يك حسابی است و بالاخره باید برای همه وزارتخانهها احسان يك نواخت بشود ولی اگر مقصود این است که داخل شوند در این لایحه چیزی نیست و ماده هفتاد و سه قانون استخدام را باید رعایت کرد والا هم عمل در این است بهرحال محروم کردن مستخدمین نظمی از حقوق انتظار خدمت مورد ندارد مگر اینکه يك تصمیم کلی برای عموم مستخدمین بگیرند.

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب

**آقاسید یعقوب -** اینجا آقای یاسائی ماده ۴۳ قانون

نظمیه پس از آنکه مستخدم رسمی واقع شدند میشود منتظر خدمت شوند و به منتظر خدمت هم باید حقوق داد  
رئیس - آقای یاسائی .

یاسائی - عرض میشود . بنده هم متذکر بودم که این ماده ۴۳ است و مربوط هم به ماده ۷۳ نیست ولی يك موضوعی که در يك لایحه عنوان ندارد ناچار باید در ماده آخر تذکر داد بنده هم این نظر را الان بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد میکنم .

رئیس - رأی میگیریم برورد شور دوم موافقین قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد .  
[ ۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم شد ]

رئیس - اظهار میشود که جلسه را ختم کنیم ( صحیح است ) اگر موافقت فرمائید جلسه آینده يك شنبه ۳۰ شهریور باشد ( صحیح است ) سه ساعت قبل از ظهر . دستور ذغال سنک مشهد و شرکت تلفن .  
( مجلس مقارن ظهر ختم شد )  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

استخدام کشوری است مگر ندیدید نگاه کنید چهل و سه است باین ماده اشاره میکند عموم مستخدمین دولتی حق دارند با رعایت یکی از دو شرط ذیل تقاعد خود را از خدمت بخواهند :

- ۱ - سی سال خدمت و شصت سال عمر .
- ۲ - پنجاه و پنجسال عمر و بیست سال خدمت مگر اینکه آن نظری که حضرتعالی بیان کردید ماده الحاقیه باشد که حالا که مستخدمین نظمیه را مستخدمین رسمی دانستیم باید همانجوری که بمستخدمین رسمی حقوق انتظار خدمت داده میشود به اینها هم داده شود اگر این نظر است بنده هم موافق هستم با آن نظر . غرض این است که این چیزی که در این ماده که حالا خواندیم اشاره شده بسوی ماده ۴۳ این است و این مربوط به منظور شما نیست آن منظور شما ماده الحاقیه است پیشنهاد کنید بنده هم موافقم که مستخدمین رسمی